ابتناء پذیرش وقف و ابتدا در قرآن بر سماع

شاگرد: وقف معانقه؛ وقفی است که ابوالفضل رازی ابداع کرده است. مثلاً عبارتی است که می‌توانید آن را به جمله قبل یا جمله بعد بزنید. مثل «من اجل ذلک». ایشان ابداع کرده. تعریفی هم دارد. «قالَ يا وَيْلَتى أَ عَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هذا الْغُرابِ فَأُوارِيَ سَوْأَةَ أَخي فَأَصْبَحَ مِنَ النّادِمينَ [۱] من اجل ذلک..[۲]». یعنی «من اجل ذلک فاصبح من النادمین». می‌توانید هم بگویید «مِنْ أَجْلِ ذلِكَ كَتَبْنا عَلى بَني إِسْرائيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ...[۳]». کاشف این وقف هم ابوالفضل رازی است.

استاد: تا اندازه‌ای که من می‌دانم فهم ها و معانی در وقف ابتدا دخیل است. اما خود اصل وقف و ابتدا هم مبتنی‌بر سماع بوده. یعنی اگر ابوالفضل رازی بگوید من چنین می‌گویم که خوب است، این را در فضای کلاسیک اقراء نمی‌پذیرند. اگر بگوید استاد من چنین گفت مورد پذیرش است.

شاگرد: نه، ایشان ابداع کرده و یک اجتهادی در این مسأله است.

استاد: من حرفی ندارم که او اجتهاد کرده باشد. مشکلی ندارم. می‌گویم در فضای استاد و شاگرد در کلاس اقراء، آن‌ها برای اجتهادات، بهائی قائل نیستند. این فضای آن کلاس است. بیرون از آن وجود دارد. و اینکه احیاناً کسی اجتهاد بکند را هم منکر نیستم. اصلاً یک فضای خیلی وسیعی است. قبلاً هم عرض کردم که باید هر مورد را نگاه کنیم. اما او اگر بگوید من ابداع کردم می‌گویم خیلی خب! همین به اندازه خیلی خب است. اما به‌عنوان اینکه از او بپذیرند، نیست .

شاگرد: پذیرفته شده است.

استاد: اگر پذیرفته شده باید سند داشته باشد. حالا به‌دنبال آن می‌روم و نگاه می‌کنیم. این یک رسمی در فضای خودشان است؛ یعنی اجتهاد را در فضای اقراء نمی‌پذیرند؛ حتی در عدد آیه اینطور است؛ اینکه اینجا آیه هست یا نیست؟؛ رأس آیه هست یا نیست؟ سماع می‌خواهد. شما حق ندارید بگویید اینجا آیه قشنگ تر و مناسب‌تر است، از حیث معنا اینجا رأس الآیه است، می‌گویند مهمون!

شاگرد: مطمئن هستید که این مورد براساس سماع است؟

استاد: نه، آن را من نمی‌دانم. آن را می‌بینم. اگر یادم باشد می‌بینم. من آن را نمی‌گویم. برای قول ابوالفضل رازی در فدکیه یک صفحه گذاشته‌ام. خیلی قول مهمی دارند. می‌گویند اگر تمام امت اسلامی –تک‌تک آن‌ها- با مراعات ضوابط اختیار، اختیار القرائه داشته باشند، قرآن هنوز تاب آن را دارد. خیلی حرف بزرگی از این شخص است. در این فن بسیار مهم است.

شاگرد: این معانقه به مذاهب هم می‌کشد. مثلاً کسانی که جبر و اختیاری هستند این آیه را طوری می‌خوانند که از آن جبر در می‌آید؛ «وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ يَخْتارُ ما كانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ[۴]».

استاد: وقف و ابتدائی که در معنا تأثیر می‌گذارد و وقف و ابتدائی که مبتنی‌بر اجتهادات کلامی است، معروف است. در طول تاریخ اسم آن را بردهاند، همراهی هم نمی‌کنند. لذا من عرض کردم اگر در فضای اقراء بگوید که من اینطور می‌گویم ارزش ندارد. یادتان هست که من برای «آل یاسین» از نافع گفتم؟ به نافع می‌گویید دنبالهٔ آیه می‌گوید «انه من عبادنا المومنین[۵]»، اما تو می‌گویی «آل یاسین»؟! او تنها با لبخند جواب شما را می‌دهد. می‌گوید من که از خودم نمی‌گویم، استاد من اینطور گفته است. تا اینکه به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رسد. حضرت اینطور خواندهاند. من بگویم مرجع ضمیر این جور بر می‌گردد؟! اینها برای شما! اصلاً فضای اقراء این فضا است. خیلی جالب است. یعنی نظرات خودشان را اعمال نمی‌کنند.

---

[1]المائده ۳۱

[2]همان ۳۲

[3]همان

[4]القصص ۶۸

[5]الصافات ۱۳۲

بازبینی #2
ایجاد شده 14 آوریل 2024 13:15:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 16:40:24 توسط ... .